

یادداشت

بن بست مهریه

دیدگاه قانون‌گذار درباره مهریه چند اشکال جدی دارد:
اولاً تصبیح حق قانونی زنان است. ثانیاً یک تبعیض ناروای آشکار است. اصولاً محکومیت به زندان به خاطر بدهی مغایر با حقوق مدرن است اما چرا یک آموزگار یا تاجر شرافتمند به دلیل بدهی حبس شود، اما مشوهری که مهریه به همسرش بدهکار است نه؟ ثالثاً هم دادعالان است و هم غیرمنصفانه. ناعادلانه است، چون مانع از استیفای حقوق زن است. غیرمنصفانه است، چون مانع از آن است که زن بتواند برای آینده خود دست‌مابه‌ای برای گذران ساده زندگی داشته باشد.
مقررات کنونی مهریه این نهاد حقوقی را دچار تناقض کرده و خود بحران‌ساز است. یکی از علل زمینه‌ای مهم بحران مهریه نبود تعادل حقوق زن و شوهر است. در بسیاری موارد زنان از مهریه به‌عنوان ابزاری برای ایجاد تعادل حقوقی استفاده می‌کنند. باید زمینه‌های اصلی بحران را با تغییر برخی قوانین در راستای ایجاد تعادل نسبی بین حقوق زن و شوهر از بین برد. مثلاً: اکنون شرط تصفیف اموال زوج فقط زمانی اجرا می‌شود که طلاق از طرف مرد باشد. می‌توان چنین مقرر کرد که حتی اگر زن خواهان طلاق است، بدون شرط ضمن عقد بخشی از دارایی مرد که بعد از ازدواج به دست آورده است، به زن تعلق گیرد. حضانت فرزندان طبق اصول از آن پدر است. تغییر مقررات حضانت منع شرعی ندارد. می‌توان این اصل را کنار گذاشت و آن را به‌این‌ترتیب تغییر داد که دادگاه تشخیص دهد که کدام‌یک از پدر یا مادر برای نگهداری فرزند صغیر اصلح است. مواردی از حقوق مردان در خانواده وجود دارد که از فروغ تمکین مرضیه شده‌اند. مثلاً حق اشتغال، حق ادامه تحصیل، حق خروج از کشور، حق تعیین مسکن، حق طلاق و... . معمولاً همین مقررات از موجبات بروز اختلاف و بحران بین زوجین است. عرف جلوتر از قانون برای این مشکل راه‌حلی یافته است. بنا بر مشاهدات این شیوه در حال رواج است که زنان با کاستن از مبلغ مهریه این حقوق و نیز وکالت در طلاق را به‌عنوان شرط ضمن عقد ازدواج از مردان دریافت می‌کنند. با توجه به اینکه انتقال این نوع حقوق از مرد به زن منع شرعی ندارد، کاملاً امکان‌پذیر است که مقرر شود چنانچه مهریه از فلان مقدار کمتر باشد، به خودی خود و بدون نیاز به ذکر آنها به‌عنوان شرط ضمن عقد ازدواج این حقوق به زن تعلق خواهد داشت و زن برای اشتغال، ادامه تحصیل، خروج از کشور و مانند اینها نیازی به اذن و اجازه شوهر ندارد. چنین راهی، که کاملاً همسو با تحولات اجتماعی و ارتقای نقش و موقعیت زنان در جامعه ایران است، انگیزه‌ای قوی برای زنان ایجاد می‌کند که برای کسب این حقوق همان مهریه کم را بپذیرند و مشکلات متعدد ناشی از اجرای مهریه کاهش یابد. در صورت اصلاح قوانین به شکلی که گفته شد و ابداعات قانونی دیگر و عطف بماسبق کردن آنها، وضعیت مهریه تا حد زیادی از بن‌بست آسیب‌رای کنونی خارج می‌شود. با چنین اصلاحاتی دیگر نیازی به حبس شوهر نیز نخواهد بود. این اصلاحات فقط نیازمند روشن‌بینی قانون‌گذار و باور به حقوق و منزلت زنان است.

هوش مصنوعی و حکمرانی رسانه‌ای در ایران؛ فهم یا فیلتر؟

اکنون نیز در عصر هوش مصنوعی، به نظر می‌رسد همان ذهنیت تاریخی در حال تکرار است و به جای بهره‌برداری از ظرفیت‌های این فناوری برای ارتقای شفافیت و ارتباط با مردم، انرژی سیستم صرف مبارزه با پیام‌رسان‌ها و محدودسازی شبکه‌های اجتماعی می‌شود. در چنین فضایی، هوش مصنوعی نه ابزاری برای فهم عمیق‌تر افکار عمومی، بلکه تهدیدی برای کنترل آن تلقی می‌شود و این شفاف‌شناختی به مهاجرت ذهن‌ها و تعمیق بی‌اعتمادی میان حاکمیت و شهروندان منجر شده است. در سطح جهانی، الگوریتم‌ها جای سردبیران را گرفته‌اند و آنچه مخاطب می‌بیند، می‌خواند یا باور می‌کند، بیش از آنکه حاصل انتخاب انسانی باشد، نتیجه تصمیمات ریاضیاتی سیستم‌هایی است که از داده‌های ما تغذیه می‌کنند. این وضعیت که پژوهشگران آن را «افکار عمومی الگوریتمی» می‌نامند، با ایجاد حباب‌های بازخوردی، زمینه‌ساز تشدید قطب‌بندی‌های اجتماعی است؛ پدیده‌ای که تأثیر آن در رویدادهایی همچون انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا و همه‌پرسی برگزیت به اثبات رسیده است. در ایران نیز این قطبی‌شدن در میدان نبرد روایت‌ها در شبکه‌های اجتماعی قابل مشاهده است؛ با این تفاوت که رویکرد حاکمیتی به جای تلاش برای فهم و مدیریت این فضا، همچنان بر مهار و حذف متمرکز است. این استراتژی، گفت‌وگوی ملی را تضعیف کرده و شکافی را تعمیق می‌بخشد که هیچ دیوار فایروالی قادر به پرکردن آن نیست. در این میان، رسانه‌های رسمی با چالشی مضاعف روبه‌رو هستند؛ از یک سو ناگزیرند برای بقا به سرعت فناوری‌های نو برون و از سوی دیگر، افکار عمومی که پیشاپیش با بحران اعتماد به این رسانه‌ها مواجه است، نسبت به هر آنچه «ماشین‌ساخته» باشد نیز بی‌اعتمادتر می‌شود. این وضعیت برای صنعت روابط‌عمومی نیز صادق است. روابط‌عمومی‌های دولتی که سال‌هاست به جای ارتباط با مردم، به گزارش‌دهی عمودی خو گرفته‌اند، اکنون فرصتی تاریخی دارند تا از هوش مصنوعی برای تحلیل احساسات عمومی و ایجاد گفت‌وگوی واقعی بهره ببرند؛ مشروط بر آنکه هدف فهم و شفافیت باشد، نه تبلیغ و پنهان‌سازی. اما خطر بزرگ‌تری نیز در کمدن امنیت شناختی جامعه است؛ ترکیب دیپ‌فیک‌ها و ارتش‌های رباتی، فناوری جعل عمیق و توانایی ربات‌ها برای هدایت مصنوعی افکار عمومی، مرز میان واقعیت و دروغ را فرو می‌ریزد و می‌تواند به فروپاشی کامل اعتماد اجتماعی بینجامد. اینجااست که حاکمیت باید فکر جدیدی کرده و از رویکرد تقابلی به سمت مدیریت هوشمند و روابط‌عمومی داده‌محور برای شنیدن صدای مردم و تلاش برای بازسازی اعتماد از طریق شفافیت، سه رکن اساسی این رویکرد جدید است. در غیر این صورت، حتی پیشرفته‌ترین فناوری‌ها نیز تنها به ابزاری برای تعمیق بی‌اعتمادی بدل خواهند شد. در پایان، عصر هوش مصنوعی صحنه تازهای از نبرد میان کنترل و آزادی، حقیقت و تبلیغ، دانیایی و سانسور است. جامعه و حکومتی که در این نبرد، فهم را بر فیلتر ترجیح دهد، برنده واقعی این میدان خواهد بود.

ناکارآمدی وروّیای ناممکن توسعه

در این تحقیق مشخص شد که دولت‌مردان در کشور‌های با نهادهای سیاسی ضعیف، به دلیل منافع شخصی یا وابستگی به صنایع آلاینده، نرخ مالیات زیست‌محیطی را پایین نگه می‌دارند و این امر منجر به افزایش آلودگی و کاهش تمایل‌پذیدار می‌شود.نمونه موفق‌ی از اصلاحات نهادی را می‌توان در کشور برزیل مشاهده کرد. در دهه ۱۹۸۰، برزیل با تورم افکارگسیخته، فساد گسترده، و بی‌ثباتی سیاسی مواجه بود. اما با گذار به مردم‌سالاری و تصویب قانون اساسی جدید در سال ۱۹۸۸، فضای سیاست کشور رقابتی شد، استقلال بانک مرکزی تقویت شد، نظارت مجلس برخاسته از آرای مردمی بر بودجه افزایش یافت و رسانه‌ها و نهادهای مدنی آزادی بیشتری یافتند. این تحولات به کنترل فساد و کاهش رانت انجامید. نتیجه این تغییر رویکرد سیاسی آن بود که تورم از بیش از دوهزارو ۵۰۰ درصد در سال ۱۹۹۳ به زیر ۱۰ درصد در سال ۱۹۹۶ رسید. سرمایه‌گذاری خارجی افزایش یافت و اعتماد عمومی به دولت و نهادهای اقتصادی بهبود یافت. این تحول، نمونه‌ای موفق و درسی برای کشورهایی مانند ایران است. در ایران نیز شواهد عینی نشان می‌دهند که ریشه نرخ تورم ۳۷٫۵ درصدی در شهرویر ۱۴۰۴، نرخ رشد اقتصادی منفی در سه‌ماهه اول ۱۴۰۴، نرخ مشارکت اقتصادی پایین در سطح کمتر از ۴۱ درصد و نرخ بالای بیکاری جوانان و تحصیل‌کردگان را باید در عملکرد عنصر سیاست جست‌وجو کرد. براساس تحلیل‌های منتشرشده در منابع داخلی و بین‌المللی، ازجمله گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس و بانک جهانی، ضعف در شفافیت بودجه، تمرکز قدرت در نهادهای غیرپاسخگو و فقدان نظارت مؤثر بر تخصیص منابع عمومی، از عوامل اصلی ناکارآمدی اقتصادی ایران هستند. برای غلبه بر مشکلات کشور، تغییر رویکرد در عرصه سیاست ضروری است. اصلاحات اقتصادی و بهبود پایدار متغیرهای اقتصادی بدون اصلاحات نهادی سیاسی ممکن نیست. تجربه جهانی و شواهد داخلی نشان می‌دهند که مسیر توسعه اقتصادی از اصلاح نهادهای سیاسی می‌گذرد.

کرملین تهدید ترامپ را بلوف می‌خواند، اما از اقدام واقعی رئیس‌جمهور آمریکا بیم دارد

چماق «تاماهاوک»

تورم و نرخ بهره بالا رفته، کمبود نیروی کار جدی است و حملات اوکراین به پالایشگاه‌های نفتی، بحران سوخت داخلی را به وجود آورده است.

ناکامی در جبهه‌ها

کارزار تابستانی ۲۰۲۵ روسیه به اهدافش نرسید. ارتش روسیه در جبهه‌های شرقی و جنوبی موفقیت عمده‌ای نداشت و تلفات انسانی بالا رفت. اگر همین روند ادامه یابد، پوتین برای تداوم جنگ در سال ۲۰۲۶ ناچار به بسیج دوباره نیروهای ذخیره خواهد شد؛ تصمیمی که با مخالفت گسترده داخلی روبه‌رو می‌شود. با وجود همه فشارها، نشانه‌ای از عقب‌نشینی در رفتار پوتین دیده نمی‌شود. بیشتر ناظران از اوکراین و روسیه می‌گویند او جنگ را مأموریتی تمدنی برای بازگرداندن عظمت تاریخی روسیه می‌داند و تسلیم نخواهد شد. شاید تاماهاوک به‌تنهایی کافی نباشد، اما آمریکا ابزارهای دیگری نیز دارد. مهم‌ترین آنها موشک هوایرتاب Extended-Range Attack Munition است؛ سلاحی جدید که اوکراین سه‌هزارو ۲۵۰۰ فروند از آن خریده است. این موشک‌ها می‌توانند به هدف‌گیری دقیق‌تر در میدان نبرد کمک کنند. اگر ترامپ بتواند آلمان را به ارسال موشک‌های «تائوروس» متقاعد کند، توان دفاعی اوکراین به‌مراتب افزایش خواهد یافت. در کنار آن، اروپا در آستانه تصمیمی تاریخی است: توقیف ۳۰۰ میلیارد دلار از دارایی‌های منجمد روسیه برای تأمین هزینه‌های اوکراین. ترکیب این اقدامات، همراه با فرسایش اقتصادی و نارضایتی اجتماعی در روسیه، می‌تواند پوتین را وادار به پذیرش مصالحه کند؛ به شرط آنکه ترامپ نشان دهد این بار فقط حرف نمی‌زند.

واکنش کرملین

کرملین روز سه‌شنبه اعلام کرد از تمرکز ترامپ بر صلح در اوکراین استقبال می‌کند. دیمیتری پسکوف، سخنگوی پوتین گفت: «ما از اراده سیاسی برای یافتن راه‌حل‌های صلح‌آمیز استقبال می‌کنیم». پسکوف به نقش استیو ویتکاف، فرستاده ویژه ترامپ که در خاورمیانه میانجیگری کرده بود، اشاره کرد و گفت: «او مؤثر است و امیدواریم مهارتش به روند گفت‌وگو در اوکراین نیز کمک کند». ترامپ یک روز پیش‌تر در سخنرانی خود در کنست اسرائیل پس از توافق غزه گفته بود قصد دارد ابتدا جنگ اوکراین را خاتمه دهد. او خطاب به ویتکاف گفت: «اول باید پرونده روسیه را ببندیم، اجازه بده روی آن تمرکز کنیم». روسیه، اوکراین را متهم می‌کند که در روند مذاکرات صلح تعلل می‌کند و وعده تشکیل گروه‌های کاری را عملی نکرده است. در مقابل، کی‌یف می‌گوید مسکو با طرح شروطی که به معنای تسلیم است، از گفت‌وگو طفره می‌رود. پسکوف تأکید کرد: «ما همچنان آماده گفت‌وگوی صلح‌آمیز هستیم و امیدواریم نفوذ ایالات متحده و مهارت دیپلمات‌های ترامپ، اوکراین را به مشارکت فعال‌تر در این روند تشویق کند». او همچنین هشدار داد که ارسال موشک‌های تاماهاوک برای اوکراین «اقدامی خطرناک و تشدیدکننده» تلقی خواهد شد.

مشکل اصلی سیاست‌مداران فرانسوی چیست؟

بیماری پاریسی

اندیشکده گروه مطالعات ژئوپلیتیک، می‌گوید: در حقیقت، همه تنها به انتخابات ریاست‌جمهوری فکر می‌کنند. در فرانسه تقریباً همه بازیگران سیاسی و اقتصادی میان‌رتبه و ارشد تنها به این می‌اندیشند که چگونه می‌توانند رئیس‌جمهور جمهوری فرانسه شوند. نتایج این نظام و نقاط کور آشکار آن در ۱۷ ماه گذشته به‌وضوح نمایان شده است. یکی پس از دیگری، پنج نخست‌وزیر با درجات مختلفی از مهارت و صداقت تلاش کردند تا با بزرگ‌ترین احزاب جریان اصلی پارلمان به توافقی بر سر بودجه دست یابند و یکی پس از دیگری، هریک به این نتیجه رسیدند که این تلاش بیهوده است و هرچه سریع‌تر از این سمت کناره‌گیری کردند. مکرون در ماه آگوست، در کنار صدراعظم آلمان، فریدریش مِرْتز، از نمایندگان پارلمان کشورش خواست که کمی شبیه همتایان آلمانی خود باشند، که به‌تازگی یکی از توافقات مستحکم ائتلافی میان راست میانه و چپ میانه را به سرانجام رسانده بودند. جمهوری ششم؟ در کشوری که شیفته سیاست است، تحلیلگران از مشکلات جمهوری پنجم مصون نیستند. سال‌هاست که تحلیلگران از این واقعیت کله‌مندانند که این نظام پارلمان را به گروهی بی‌قدرت و تشریفاتی تقلیل داده و روحیه‌ای ویرانگر را در میان احزاب مخالف ایجاد کرده است. آنها اشاره می‌کنند که در زمانی که نیروهای سیاسی شورشی به موفقیت روزافزون در حال به چالش کشیدن حاکمان هستند، شاید منطقی باشد که حداقل مقداری نفوذ به آنها اعطا شود. ژان‌لوک مِلاشسون، چهره تندرو چپ‌تر، به کاندیدای مکرر ریاست‌جمهوری، در کارزار انتخاباتی سال ۲۰۲۲ خود بخشی از برنامه‌اش را بر این ایده استوار کرد که فرانسه باید به «جمهوری ششم» گذار کند. اکنون که فرانسه به سوی رتگاه می‌نگرد، شاید زمان آن فرا رسیده که خارج از چارچوب‌های مرسوم اندیشید. شاید زمان نظام ابدایی دوگل به سر آمده باشد.



حزب رئیس‌جمهور اکثریت قاطع پارلمان را در اختیار داشته باشد، به زیبایی عمل می‌کند. در این حالت، پارلمان به نوعی نهاد مشورتی تشریفاتی تبدیل می‌شود که در خدمت برنامه دولت است. اما بدون سازش در هر وضعیت دیگری، اوضاع به هم می‌ریزد. اگر پارلمان منحل شود و حزب مخالف قدرت را به دست گیرد، نتیجه هم‌رستی خواهد بود که مترادف با فلج سیاسی است. در صورت بروز پارلمانی معلق که پس از انتخابات ژوئن ۲۰۲۴ در فرانسه رخ داد، اوضاع حتی بدتر می‌شود. احزاب هیچ انگیزه نهادی یا تمایلی برای سازش ندارند. هر نشانه‌ای از همکاری با سوءنظ نگریسته می‌شود. قدرت چنان به سوی رئیس‌جمهور متمایل است که حتی اگر احزاب همکاری کنند، تأثیرگذاری واقعی تقریباً نشدنی است. در عوض، رهبران احزاب با خونسردی محاسبه می‌کنند که منافع‌شان در ماندن خارج از دولت و انجام هر کاری برای تسریع انتخابات بعدی ریاست‌جمهوری است؛ حتی اگر این به معنای سرنگونی یکی پس از دیگری نخست‌وزیران باشد. این همان چیزی است که اکنون در حال وقوع است. ژیل گِرسانتی، مدیر مجله فرانسوی لو گِراند کنتینان و رئیس

ترجمه: مهسا مژده‌ی
هنگامی که شارل دوگل در سال ۱۹۵۸ جمهوری پنجم فرانسه را بنیان نهاد، اولویت اصلی ایجاد نظامی سیاسی بود که ثبات کامل را تضمین کند. پولتیکو در یادداشتی نوشته است: گویی برای اثبات این هدف، دوگل نخستین رئیس‌جمهور از میان تنها هشت رئیس‌جمهور در ۶۷ سال گذشته بود و ساختار جدید، به او قدرتی هم‌سگ یک پادشاه اعطا کرد اما اکنون نشانه‌های ترک‌خوردگی این نظام آشکار شده است. با امانوئل مکرون که درگیر مشکلات عدیده است و شاهد استعفاي نخست‌وزیری پس از تنها ۲۶ روز تصدی بوده، فرانسه به‌هیچ‌وجه باثبات به نظر نمی‌رسد. نظام ابدایی دوگل تا مرز فروپاشی مورد آزمون قرار گرفته است. با نگاهی به آشوب سیاسی ماه‌های اخیر فرانسه، وسوسه‌انگیز است که بخش اعظم تقصیر را بر گردن رئیس‌جمهور مکرون بیندازیم. به هر حال، این تصمیم او بود که مجلس ملی را منحل کرد و سال گذشته انتخابات پارلمانی را فراخواند، بحرانی که تاکنون پنج نخست‌وزیر را قربانی کرده و احتمالاً پیش از پایان سال، ششمین را نیز به کام خود خواهد کشید. اما مقصدارنستن مکرون به‌تنهایی، نادیده‌گرفتن مشکل بزرگ‌تر است: اینکه جمهوری پنجم فرانسه به صورت ذاتی ناتوان از پذیرش سازش و تقسیم قدرت است. این نظام که به‌عنوان پادزهری برای جمهوری چهارم بیش از حد متششت طراحی شده بود، که در ۱۲ سال ۲۱ دولت مختلف را تجربه کرد، برای دستیابی به یک نتیجه بهینه‌سازی شد: رئیس‌جمهوری با قدرت مطلق که از اکثریت مطلق پارلمان حمایت می‌شود. هر چرخ‌دنده برای تحقق این هدف تنظیم شده است، ازجمله انتخابات دوم‌رحله‌ای ریاست‌جمهوری که رأی‌دهندگان را وادار به انتخاب گزینه‌ای با بیشترین اجماع می‌کند و این واقعیت که از زمان ژاک شیراک، انتخابات پارلمانی بلافاصله پس از رأی‌گیری ریاست‌جمهوری برگزار می‌شود. جمهوری پنجم زمانی که

مجوز سلاح دو لول کوسه به شماره بدنه

۳۸۷۶۴-KSH-۱۴ ساخت کشور ایران متعلق به

وحید باقریان با کدملی ۰۰۷۸۳۲۰۸۳۶ از تاریخ

۱۴۰۴/۰۷/۱۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار

ساقط است.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک تحصیلی **اینبانج علیرضا جوهر چی فرزند نصرت الله به کد ملی ۰۰۷۱۸۰۹۰۶۶ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مدیریت صنعتی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) با شماره ۱۲۸۵۱۳۹۰۲۳۶۴ مفقود گردیده و فاقد اعتباری باشد. از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به صندوق پستی ۱۸۱۵۵/۴۴ دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) ارسال نماید.**

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک دانشگاهی، دانش آموزکنی اینبنانب، **محمدهادی حسن زاد فرزند رمضان صادره از علی اباد کتول به شماره شناسنامه ۷۵۴ در مقطع کارشناسی رشته برق قدرت صادره از واحد دانشگاهی آزاد علی آباد کتول به شماره ۱۳۰۰ مفقود گردیده است و فاقد اعتباری باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آبادکتول به نشانی گلستان شهرستان علی آبادکتول ارسال نماید.**

گزارش

آتش‌بس روی کاغذ

شرق: در پی آتش‌بس اخیر در غزه، حماس برای قدرت‌نمایی در این باریکه، اقدام به اعدام علنی چند متهم به همکاری با اسرائیل کرد. در ویدئوهایی که صحت آنها تأیید شده، نیروهای حماس هفت مرد را در برابر جمعیت به زانو درآوردند و از پشت تیرباران کردند. حماس می‌گوید این افراد جاسوس اسرائیل بودند. هم‌زمان، ساکنان باریکه غزه می‌گویند نیروهای حماس بار دیگر در مسیرهای امدادی و مناطق استراتژیک مستقر شده‌اند تا نظم را به شیوه خود حفظ کنند. نکته‌ای که در این میان می‌تواند تنش و درگیری را دوباره به اوج برساند، تحویل‌ندادن اجساد گروگان‌های اسرائیلی است؛ مسئله‌ای که طرفین بر سر آن توافق کرده بودند.

با وجود اعلام آتش‌بس، حملات پراکنده اسرائیل ادامه دارد؛ پهپادها در حومه شرقی شهر غزه شش نفر را کشتند و در حمله‌ای دیگر در خان‌یونس نیز دو نفر هدف قرار گرفتند. ارتش اسرائیل می‌گوید هدف، افرادی بوده‌اند که از خطوط تماس عبور کرده‌اند؛ باین‌حال، حماس این اقدامات را نقض آشکار توافق می‌داند و آن را نشانه‌ای از بی‌اعتمادی متقابل می‌خواند.

طرح آتش‌بس دونالد ترامپ که با شعار «طلوع خاورمیانه نو» اعلام شد، اکنون در حاله‌ای از ابهام فرو رفته است. نه نیروی بین‌المللی وعده داده‌شده برای تأمین امنیت غزه شکل گرفته و نه سازوکار تازه‌ای برای اداره منطقه. نیروهای اسرائیلی همچنان در بیشتر مناطق مستقر هستند و جریان کمک‌های بشردوستانه برای جمعیت دو میلیون نفری، کُند و محدود است. قحطی و فروپاشی زیرساخت‌ها، تصویر غالب در این نوار باریک باقی مانده است.

حماس که در دو سال گذشته زیر بمباران‌های سنگین اسرائیل تضعیف شده بود، اکنون با نیرویی کمتر اما اراده‌ای آشکار در پی بازسازی ساختار قدرت خود است. صدها نفر از کارکنان شهری برای پاک‌سازی مسیرها، بازسازی خطوط آب و تسهیل امدادرسانی به کار گرفته شده‌اند. رهبران این گروه می‌گویند با «همکاران اسرائیل و عناصر اخلاکگر» به‌شدت برخورد خواهند کرد. این تصمیم‌ها نشان می‌دهد حماس می‌خواهد بار دیگر کنترل کامل را در دست گیرد، هرچند به قیمت درگیری داخلی با گروه‌های نظامی دیگر.

در همین حال، بحران انسانی در غزه در حال تعمیق است. از آغاز جنگ در اکتبر ۲۰۲۳ که با حمله مرگبار حماس به جنوب اسرائیل آغاز شد، بیش از ۶۸ هزار فلسطینی کشته شده‌اند. نهادهای امدادی از کمبود شدید غذا و دارو خبر می‌دهند. یونسف اعلام کرده که محموله‌هایی از چادر، پوشاک زمستانی و بسته‌های بهداشتی وارد غزه شده، اما این کمک‌ها بسیار کمتر از نیاز واقعی است.

اطلاعیه	سرکارخام ناهید گلستانی به اطلاع می‌رساند: هسر شما آقای سید حسین حسینی، جهت اجرای دادنامه شماره ۶۱۷۵۲۶۹۰۰، ۱۴۰۴/۰۴/۱۱ شعبه ۲۸۵ دادگاه خانواده مجتمع قضایی خانواده دو تهران به این دفتر مراجعه و تقاضای ثبت طلاق را نمودند تلاش اینبناب جهت انصراف نامبرده از طلاق موثر واقع نشد لذا در اجرای قانون حمایت از خانواده به جهت اختطاری می گردد طرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ این اظهاریه جهت اجرای دادنامه به دفترخانه مراجعه نمایند و یا در صورت وجود مانع شرعی یا قانونی مراتب را کتبا اعلام نمایند در غیر این صورت برابر مقررات و ضوابط شرعی و قانونی نسبت به اجرای دادنامه اقدام می گرددنشانی دفترخانه: تهران، پاسداران، میدان نوینباد، نیش کوهستان چهارم، پلاک ۶۱ تلفن: ۲۶۱۱۲۸۴۲ علی قاسمی – سردفتر ازدواج ۲۸۶ و طلاق ۱۰ تهران
----------------	---

مدرک فارغ التحصیلی اینبناب **هومن امینی فرزند هرمزبه شماره ملی ۰۰۷۸۰۴۳۰۴۲ در مقطع کاردانی رشته ماشین افزار به شماره مدرک ۱/۱/۳۸۸۱/۸۴ از تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۲۴ صادره از واحد دانشگاهی مرکز آموزش علمی کاربردی خدمات فنی دنده مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه مرکز آموزش علمی کاربردی خدمات فنی دنده به نشانی قزوین: شهرک کوثر، بالاتر از فلکه سوم، کوچه امین، جنب دادگاه انقلاب، دانشگاه جامع علمی کاربردی ارسال نمایند.**